



شاعر: سعدی شیرازی

شبها گذرد که دیده نتوانم بست
مردم همه از خواب و من از فکر تو مست
باشد که به دست خویش خونم ریزی
تا جان بدهم دامن مقصود به دست



شاعر: حمیده کاظمی سرچشمه ئی

سر برنار از شانه های رو به ویرانی
با بوسه هایت باغ را باید برویانی
من هستم و شعری پر از دلنگیت در باد
ای حسرت سرد غزل های زمستانی
باید بمانی جان بگیرد روح این عاشق
مابین آغوش تو که چون ماه تابانی
حرفی بزن از بودند، از ماندنت گاهی
برهم بزن تشویش شب های پریشانی
بر هم بزن این اضطراب رفتنت را عشق
تنها دلیل شعر و شورم در غزل خوانی
پر پر زدم در خستگی های پر از شعرم
آزاد کن من را من در خویش زندانی



شاعر: مرتضی زندپور

ناله ی نی...

ناله در سینه ی نی آمده آواز شده ست
باز هم خون به جگر غنچه ی طنز شده ست
اشک از دیده روان گشته به پیشانی ی کوه
کوه هم خسته و آماده ی پرواز شده ست
خون به چشمان سحر آمده تا گریه شود
زاغ در باغ خرامیده و شهباز شده ست
بلبلان خسته و سرگشته به دنبال بهار
گرگ با میش هم آوا شده همراز شده ست
چشمه در ماتم گل مانده و عریان شده باغ
سرو خم گشته و با یک خزه دمراز شده ست
خنده در چشم چمن گم شد و رویدن دشت
بچ پی در تن هر پنجره آغاز شده ست



منتظر داستان و اشعار شما هستیم
لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به
دفتر روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل
ارسال نمایید.
ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد
است و مطالب ارسالی برگشت داده نمی‌شود.
toloudaily@gmail.com
گازتاس (این شماره) سرویس ادبی - هنری: اشرف السادات کمانی

بگو گرگان همه خوش نام هستند
علی آباد و آق لا، ترکمن آب
شده شهر مهم، آن گنبد ناب
۲۵
به سرسبزی گیلان، شهر رشت است
عروس روستا، ماسوله، شد مست
و لاهیجان و تالش، انزلی شاد
و همچون لنگرودش، شاد و آباد
۲۶
لرستان لرنشین در غرب ایران
به مرکز خرم آباد است چون جان
درود و کوه دشت و، هم بروجرد
شده سه شهر آباد و نکو کرد
۲۷
شده در حلقه سبز شمالی
خزر، مازندران، ساری و شالی
برو بابل به قائمشهر و آمل
به شادی رامسر سرسبز و پرگل
۲۸
شمال تنگ هرمز، بندرعباس
به هرمزگان رسیده قدمت خاص
به قشم و لنگه و میناب رفته
ببین دهبارز را هر روز و هفته
۲۹
اگر چه مرکزی، مرکز به صنعت
اراک و مرکزش دارد طبیعت
خمین و ساوه را همچون محلات
ببر زیبایی اش در مجلات
۳۰
به نامم هگمتانه یا همدان
که تاریخش بود قله در ایران
نهادند و ملایر بی نظیرند
اسدآباد هم مهمان پذیرند
۳۱
به زیبایی یزد و بادگیرش
شدم در شیر کوه آن اسیرش
برو به اردکان، میبد ببینی
حمیدیا و شهری نارچینی
*

میان کوه و صحرا، سبز پیداست
۱۶
جنوب غرب ایران سیستان است
بلوچستان و مرکز زاهدان است
از ایرانشهر و زابل شهر زیباست
کنار چابهارم آب دریاست
۱۷
ز قدمت تخت جمشید است و شیراز
بود در فارس حافظ خواجه راز
اجل سعدی و خواجه اوج باشند
ملاصدرا و چندین موج باشند
هوایش مختلف در کوه و دشت است
فسا داراب و جهرم مرودشت است
۱۸
شده قزوین به صنعت نور دیده
در ایران اقتصادش شد پدیده
به تاکستان و الوند اولین بار
رسیده تا به اقبالی دیدار
۱۹
اگر استان قم خشک است خاکش
ولیکن بر زبان ها نام پاکش
به معصومیت معصومه سوگند
به پیمان خودش، خوردست پیوند
۲۰
به کردستان، سنندج تا رسیدیم
زبان کردی و دل ها شاد دیدیم
مریوان، بانه و سقز در آنجا
سه شهر با صفا هست و دل آرا
۲۱
به غرب کشور پهناور ما
زبان کردی و کرمانشاه آنجا
جوان رود و به غرب، اسلام، آباد
و کنگاور، و کرمان شاه آزاد
۲۲
شده کرمان جنوب شرق ایران
خریدم زیره من در مرکز آن
بم و جیرفت و رفسنجان و سیرجان
و کرمان کلان شهر است در آن
۲۳
بویر احمد و کهکیلویه، زیباست
به مرکز، لرنشین، یاسوج پیداست
ببین سرشار از آب آبشار است
دوکنبد یا که دهدشتش، بهار است
۲۴
گلستان، ترکمن اقوام هستند

مهم نفت است و حمل و نقل در آن
۸
در ایران پایتختش هست، تهران
کلان شهری که برتر شد در استان
به جز تهران بین اطراف آن را
که باشد چند شهرستان در آنجا
ز هر قومی در ایران، ساکن آن
شده جمعیتش هر بار عنوان
دماوند و ری و، فیروزکوه است
شمیرانات و هر شهرش شکوه است
۹
به نام بام ایران شهر کرد است
محال و بختیاری بر برده است
بروجن لردگان دو شهر زیباست
فرخ شهر که در کوه پیداست
۱۰
خراسان جنوبی پر ستاره
به مرکز بیرجند آمد همواره
طبس فردوس و این فخر استان
بیابان هست و برتر قدمت آن
۱۱
خراسان مرکزش مشهد شهادت
زیارت هر که رفته با سعادت
کهن الگوی ما در این کلان شهر
که در قدمت سر آمد باشد این شهر
۱۲
خراسان شمالی، شرق ایران
بُود بجنورد هم در مرکز آن
در استان، اسفراین، آسخانه
کنارش شیروان، شهر شبانه
۱۳
به خوزستان رسیدیم، آب و
دریاست
خلیج نیلگون فارس یکتاست
شده مرکز در آنجا، شهر اهواز
و تولیدات نفت و روغن و گاز
۱۴
شمال غرب ایران هست زنجان
خطابش می شده دیروز، زنگان
زبان آذری دارند اینجا
سفرها کن در این استان زیبا
۱۵
جنوب رشته کوه پاک الوند
به سمنان پر از گل، خورده پیوند
تنوع در هوایش خوب پیداست



شاعر: اشرف السادات کمانی

سی و یک نام استان را در ایران
چه گویم که همه باشند چون جان
۱
شمال شرق، آذربایجان است
که ترک آذری، اصل زبان است
همان تبریز زیبا، مرکز آن
طبیعت بکر و، گردشگر فراوان
۲
و استان شمال غرب ایران
ارومیه نگین و مرکز آن
تکاب و خوی و ماکو هست زیبا
مهاباد و دوآبش شد دل آرا
۳
همان سمت اردبیل استان دیگر
که در تاریخ باشد از همه سر
زبانش ترکی و شیرین زبان است
مهم خلخال و چندین شهر آن است
۴
نگو نصف جهانم اصفهان است
که تاریخش مهم تر در جهان است
قدیم آن، سپاهان نام بوده ست
به زیبایی همه شهرش ستوده ست
۵
کرج، در مرکز البرز بر پاست
اگر نوپاست استان، لیک یکتاست
نظر آباد و چندین شهر پاکش
جبال کوه البرز است خاکش
۶
به غرب و باختر ایلام کوه است
نماد شوکت و فر و شکوه است
نقوش جنگلی سبز و زیباست
به کوهستان آن ایوان پیداست
۷
به پهنای خلیج فارس، بوشهر
نگین غرب و جان پارس، بوشهر
برازجان و گناوه، شهر کنگان